

نامه پنج تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی عضو نهضت

به رئیس مجلس در مورد سخنان دادستان انقلاب اسلامی در نماز جمعه

جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

و امام جمعه موقت تهران

با سلام دوستانه و دعای توفیقات حق پسندانه مختصراً زحمت می‌دهیم.

در پیش خطبه نماز جمعه ۹ بهمن ماه آقای سید اسدالله لاجوردی که در منصب خطیر دادستانی انقلاب اسلامی تهران هستند اظهارات خلاف حق و حقیقت و شرع درباره دولت موقت بیان داشته‌اند که ارتباط با مقام و مسئولیت ایشان دارد ولی نسبت به شخص جنابعالی که امام جمعه آن روز بوده‌اید و در پیشگاه خدا و خلق باید جوابگوی گفتارها و شعارها باشید اعتراض داشته می‌پرسیم آیا نماز قریه الی‌اللهی وحدت آفرین جمعه و مکتب طهارت و رحمت باید آلوده به اغراض سیاسی و صحنه تهمت و تفرقه و تحریک شود؟ آیا خداوند سمیع بصیر در آن مکان و زمان حاضر و ناظر نبود و سخنران پیش از خطبه که خود مأمور حفظ اصول اسلامی و حدود قانونی بوده است نمی‌بایستی رعایت قانون اساسی را که ضامن حیثیت و حقوق و جان افراد مملکت می‌باشد بنماید و از پیش خود حکم و قضاوت‌های نسنجیده صادر نکند؟

اگر بیانات ایشان بدون اطلاع و رضای جنابعالی بوده است چرا در خطبه نماز یا بعداً اصلاح و اعتراض

علنی نفرموده‌اید؟

دولت موقتی که رئیس آن را خود شما و همکاران شورای انقلاب پیشنهاد کرده بودید و امام با تصریح به اعتماد به ایمان و اطلاع از سوابق مبارزات اسلامی و ملی طبق دستخط و دستورالعملی مشخص انتصاب فرمودند و وزرا نیز پس از بررسی کامل و تصویب آقایان با تأیید و حکم ایشان انتخاب گردیده همگی با صداقت تام و حداکثر دانایی و توانی خویش بار خطیر خدمات اولیه انتقال کشور را به حول و قوه الهی از نظام مخلوع به نظام مطلوب کشیده بودند. ایشان به چه حق و با چه صلاحیت و مدرک لیبرالیست‌های مذهبی از فرنگ برگشته که صدمات زیاد به انقلاب وارد کرده‌اند خوانده است و سازشکار با چپا و لگران و با منافقین و محاربین اسلام گفته و بالاخره گناه تمام قتل‌ها و آتش‌سوزی و تخریب‌ها را به گردن آنها انداخته است؟!

به خاطر ما و رسم وفا هم که نباشد آیا جا نداشت به خاطر آبرو و دفاع از امام و خودتان که آورنده

ما و ناظر نزدیک و همکارمان بوده‌اید تکذیب و دفاعی می‌کردید؟ آیا واقعاً ما چنین بی‌سر و بی‌پا و

طرارهای جنایتکار بودیم که شما در آن مدت نفهمیدید و این آقا حالا می‌فهمد؟

آیا عاقبت جمهوری اسلامی و عدالت علوی به اینجا کشیده شده است که کینه و دشنام سکه رایج آن بوده مانند انقلاب‌های بشری الحادی که فرزندان خود را می‌خورد، تازه واردین باید به جان پایه‌گزاران و خدمتگزاران قدیم بیفتند و در نمازی که تنهی عن الفحشاء والمنکر است و برنامه آن فاسعوا الی ذکر الله، چنین بی‌تقوایی‌ها اجرا شود؟

دیگر برای چه کسی و چه چیزی در این جمهوری امنیت و حرمت باقی می‌ماند؟

پناه می‌بریم به خدا! الله اکبر!

مهندس مهدی بازرگان - دکتر یدالله سبحانی - احمد صدر حاج سید جوادی

دکتر ابراهیم یزدی - مهندس هاشم صباغیان

۶۰/۱۱/۲۴